

تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل و آسیب‌شناسی آن‌ها از منظر ذی‌نفعان

محمد مهدی عسگری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۹

مهدی محمدی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

چکیده

از آنجایی که به تکافل به‌عنوان محصولی که در شکل‌بندی ساختار آن از عقود و معاملات اسلامی استفاده می‌گردد، نگریسته می‌شود، بررسی ساختار تکافل و توجه به منافع ذی‌نفعان به‌عنوان ضمانتی برای پایداری این محصول در بازار بیمه، اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس در این مقاله با بررسی جامع ساختار و مدل‌های مختلف تکافل در دو سطح عمومی و خانواده و به آسیب‌شناسی و مقایسه این مدل‌ها از منظر ذی‌نفعان و مالکان اصلی تکافل (مشارکت‌کنندگان) با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته شد. به نظر می‌رسد که با تغییرات ساختاری الگوهای مختلف تکافل هدف ما از قیمت‌گذاری عادلانه و نیز همسویی منافع ذی‌نفعان بر اساس رهبری مشارکت‌کنندگان محقق نخواهد شد و راهکار کاهش هزینه‌های عامل در تکافل، نزدیک شدن به ساختار بیمه متقابل و محدود کردن اختیارات متصدی تکافل و افزایش اختیارات مشارکت‌کنندگان و نیز همسوسازی منافع متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان است. با تقویت حاکمیت شرکتی در ساختار تکافل، شرط لازم برای کم کردن عدم تقارن اطلاعات موجود بین ذی‌نفعان و مشکلات ناشی از آن همچون انتخاب نامساعد و خطرات اخلاقی کاهش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

تکافل، جعاله، ودیعه، آسیب‌شناسی، ذی‌نفعان

طبقه‌بندی JEL: G28

مقدمه

بررسی ساختار تکافل به عنوان یکی از محصولات بیمه‌ای می‌تواند ما را در ارائه محصولی با ثبات و کارا از لحاظ اقتصادی و شفاف و منصفانه از منظر ذی‌نفعان یاری رساند. بر این اساس در این مقاله بررسی جامع ساختار و مدل‌های مختلف تکافل در دو سطح عمومی و خانواده، مورد استفاده در دنیا تحت عناوین مضاربه، مضاربه تعدیل‌شده، وکالت، وکالت همراه با پاداش عملکرد، مدل مختلط (جعاله-وکالت) در سطح عمومی، مدل مختلط (مضاربه-وکالت) در سطح خانواده، مدل وقف، مدل جعاله (تکافل عمومی)، مدل ودیعه صورت گرفت و نیز به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای تفاوت‌های این الگوها و سطوح مورد استفاده آنها معرفی و مورد مذاقه قرار گرفت. دومین نوآوری این مقاله این است که مدل‌های ودیعه و جعاله و تفکیک تفاوت‌های اساسی مدل مضاربه و مدل جعاله در تکافل عمومی معرفی و تبیین گردید.

در این مقاله در قسمت اول پیشینه تحقیق معرفی گردیده است. در قسمت دوم به طبقه‌بندی فعالیت‌های بیمه‌ای پرداخته شد. در قسمت سوم تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل صورت گرفت. در قسمت چهارم آسیب‌شناسی الگوهای تکافل از منظر ذی‌نفعان و در قسمت پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادها مطرح گردید.

۱. پیشینه تحقیق و مطالعات انجام شده

۱-۲. ایران

محمدی مهر (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام» دو نظام بیمه متعارف و تکافل مصطلح (بیمه اسلامی) و تأمین اجتماعی و تکافل (به معنای عام آن)، را مورد مقایسه قرار داده است. عسگری و اسمعیلی گیوی (۱۳۸۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظری مقایسه‌ای ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافلی اسلام و بیمه‌های متعارف» به مقایسه تکافل خانواده و بیمه عمر رایج از نظر منافع پرداخته‌اند.

سراج‌زاده (۱۳۸۸) تفاوت‌های اساسی بیمه متعارف و تکافل را مورد توجه قرار داده است. ناطق گلستان (۱۳۸۸) از منظر فقه امامیه امکان‌سنجی ایجاد مؤسسات تکافل

را مورد بررسی قرار داده است. آقا مهدوی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی الگوی‌های بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)» پس از بررسی تکافل عمومی و خانواده بر مبنای الگوی مضاربه از نظر فقهی به این نتیجه رسیده که گرچه تکافل بر اساس عقود معین مضاربه، هبه، قرض و وکالت طراحی شده؛ اما با توجه به بهره‌مندی تکافل شونده‌گان در مازاد پذیره‌نویسی، این ساختار پوشش خسارات در مقایسه با بیمه متعارف با مبانی اسلام و عدالت سازگارتر است.

رشیدی‌نژاد (۱۳۸۹)، به بررسی توسعه و تعمیق بیمه در ایران و ارائه راهکارهای جدید برای افزایش ضریب نفوذ بیمه در مناطق روستایی کشور پرداخت. اسماعیلی گیوی (۱۳۸۹) تکافل را از منظر میزان کارایی با بیمه متعارف مورد مقایسه قرار داده است. در این پژوهش مقایسه کارایی با بهره بردن از روش تحلیل سلسله مراتبی انجام شده است. عظیم زاده آرانی (۱۳۹۱) به مقایسه تطبیقی بیمه اتکایی و تکافل اتکایی پرداخته است. مواردی همچون نوع قرارداد، ماهیت قرارداد، اهداف، نااطمینانی و شفافیت و افشاء از مهمترین عوامل تفاوت میان تکافل اتکایی و بیمه اتکایی می‌باشد.

۲-۱. خارج از کشور

معصوم بالله (۲۰۰۳) در اثری تحت عنوان «بیمه اسلامی، تکافل»، ابتدا نظر علمای اسلامی در مورد بیمه متعارف را تبیین نموده است و پس از معرفی تکافل به صورت عملیاتی آن را تبیین نموده است. خورشید (۲۰۰۴) تکافل را تحت عنوان بیمه اسلامی مطرح نموده است و پوشش ریسک در اسلام را تبیین نموده است. مهیمن اقبال (۲۰۰۵) در کتابی تحت عنوان «تکافل عمومی در عمل» مدیریت ریسک در اسلام را توضیح داده است. وی از منظر اکچوئرال نرخ‌گذاری تکافل عمومی را مورد بررسی قرار داده است. در نهایت آینده تکافل و مدیریت ریسک را تبیین نموده است. سهیل جعفر (۲۰۰۶)، سازوکارها و مدل‌های تکافل، توسعه کسب و کار و موضوع توزیع مازاد، موضوعات قانونی، مقرراتی و عملیاتی تکافل را از منظر عمل و نظر مورد بررسی قرار داده است.

وحید اختر (۲۰۰۸) با بررسی وضعیت بازار تکافل در دنیا و مقایسه آن با بیمه رایج به پیش‌بینی میزان موفقیت این صنعت در پاکستان پرداخته است و توضیحاتی را در مورد الگوی‌های رایج مورد استفاده شرکت‌های تکافل ارائه کرده است. آرچر و همکاران (۲۰۰۹) در اثری تحت عنوان «تکافل، بیمه اسلامی، مفاهیم و مباحث قانونی تکافل اتکایی، تمایزات تکافل اتکایی و بیمه اتکایی، مباحث نظارتی و نیز رتبه‌بندی شرکت‌های تکافل و کفایت سرمایه در تکافل را تبیین نموده است. در کتاب «بنیان‌های تکافل» (فضلی یوسف و همکاران، ۲۰۱۱) تکافل عمومی و خانواده و مسائل کاربردی و عملیاتی تکافل مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

یاسین ناصر و راملی جمیل (۲۰۱۱) در اثری تحت عنوان «تکافل: راهنمای مطالعه» تکافل خانواده و تکافل عمومی و اصول آن تشریح گردیده است. اسماعیل عظامشاه (۲۰۱۱) در کتاب راهنمای واسطه‌گری تکافل مقدماتی بعد از بررسی مبانی دینی تکافل، طبقه‌بندی تکافل و تکافل اتکایی، چالش‌های پیش روی تکافل لوازم و شرایط لازم برای واسطه‌گری تکافل را توضیح داده است. ذوالکفلی و همکاران (۲۰۱۲) به موضوعاتی چون تکافل درمان، تکافل عمومی، تکافل خانواده و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با تکافل، پوشش خسارات، مفاهیم اخلاقی، شرایط و الزامات لازم برای دریافت مجوز عرضه تکافل عمومی و خانواده و رتبه‌بندی تکافل را تشریح کرده است.

کتاب «تکافل و بیمه متقابل، رویکردهای جایگزین مدیریت ریسک» وجوه تمایز بیمه متقابل و تکافل و شباهت‌های آن را مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب نیز مبانی و ریشه‌های تکافل، بیمه متقابل و تعاونی معرفی و وجوه افتراق آن با تکافل مورد بررسی قرار گرفته است. مدل وکالت تکافل نیز از منظر نظریه عامل - مالک مورد بررسی قرار گرفته است (گانبولال، ۲۰۱۳).

در هیچ یک از مطالعات فوق به صورت جامع تمام الگوهای تکافل من جمله الگوی ودیعه و جعاله تبیین نگردیده است. از طرف دیگر تفاوت اساسی دو الگوی جعاله و مضاربه در تکافل عمومی مورد مذاقه قرار نگرفته است. بررسی خلاهای نظارتی مشارکت‌کنندگان در تکافل از دیگر کاستی‌های این تحقیقات است که با استفاده از

مبانی نظریه عامل-اصیل به صورت تحلیلی در این مقاله مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است.

۳. تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل

تکافل به معنای تضمین متقابل گروهی از مردم ساکن در یک جامعه در برابر خطر تعریف شده یا فاجعه‌ای است که برای زندگی، اموال، یا هر چیزی که در نظر افراد جامعه ارزشمند است، روی دهد. بنابراین تعریف، تکافل بیمه متقابل است (معصوم بالله، ۱۳۸۹).

تکافل به زبان ساده ضمانت مشترکی است که گروهی از افراد یا احزاب، بر ضمانت متقابل یکدیگر در مقابل زیان معین، توافق می‌نمایند (FazliYosof et al., 2011). کلمه تکافل برگرفته از کلمه عربی الکفاله، به معنی نفع مشترک یا مسئولیت به اشتراک گذاشته شده می‌باشد. بیمه تکافل بیشتر متمایل به بیمه‌گذاران است. مدت قرارداد تکافل مشخص و معین است و مقدار مبادله حق بیمه‌ها و مزایای تکافل به صورت پیشینی^۱ تعیین می‌گردد. در قرارداد تکافل علاوه بر وجود همکاری متقابل (مسئولیت‌های مشترک) بین مشارکت‌کنندگان، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری مشارکتی بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان براساس نسبت از پیش تعیین شده تقسیم می‌شود (Kwon, 2007).

ساختار اساسی قرارداد تکافل توسط متصدی تکافل طراحی می‌شود. از منظر نظارتی، نگرانی اصلی این است که چگونه متصدی تکافل، برای خدماتش پاداش دریافت می‌دارد. دو مدل استاندارد (البته با تفاوت‌های جزئی) با عنوان مدل وکالت (عاملیت) و مدل مضاربه (مشارکت در سود) به وجود آمده‌اند. از دیگر انواع این دو مدل اصلی، مدل وکاله همراه با پاداش عملکرد^۲ و مدل مضاربه تعدیل شده می‌باشد. در عمل مدل دیگری که ترکیبی از دو مدل اصلی وکاله همراه با پاداش عملکرد و مضاربه است، با عنوان مدل مضاربه-وکاله یا مدل مختلط^۳ اجرا می‌گردد. مدل دیگر که در پاکستان به کار گرفته می‌شود، علاوه بر استفاده از اصول مضاربه و وکالت از اصول

وقف نیز استفاده می‌نماید که با نام مدل وقف یا نام کاملتر مدل وکالت - مضاربه - وقف شناخته می‌شود (Archer et al., 2009).

اجزاء مدل تکافل عبارتند از: مشارکت‌کنندگان^۴ که با پرداخت حق مشارکت به عضویت طرح مراقبت متقابل (مطابق با شریعت) با الگوی وکالت در می‌آیند. حق مشارکت‌های متکافلین یا مشارکت‌کنندگان وارد صندوق مشارکت‌کنندگان (PTF^۵) تکافل می‌گردد. مدیریت وجوه موجود در PTF بر عهده متصدی تکافل (TO^۶) که یک شرکت تجاری همراه با سهامدارانش می‌باشد، خواهد بود. هزینه‌های عملیاتی و جبران خسارات توسط صندوق PTF پرداخت خواهد شد. در تکافل خانواده بخشی از حق مشارکت‌های هر متکافل در حسابی تحت عنوان حساب ویژه مشارکت‌کنندگان نگهداری می‌شود و بخش دیگر در حساب مشارکت‌کنندگان که به صورت فردی در نظر گرفته می‌شود، نگهداری و یا سرمایه‌گذاری می‌شود. مشارکت‌کنندگان به صورت مشترک و متقابل صندوق پوشش ریسک را ایجاد می‌کنند که خسارات و نیز مبالغ سرمایه‌گذاری از این صندوق تأمین می‌گردد.

در صورتی که میزان تعهدات و خساراتی که باید پرداخت شود از میزان حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده بیشتر گردد، کسری به وجود خواهد آمد؛ در چنین حالتی، متصدی تکافل موظف است تا از شرکت تکافل که دارای تعدادی سهامدار می‌باشد، وام قرض‌الحسنه‌ای را برای جبران کسری‌ها، فراهم آورد. متصدی تکافل می‌تواند در مورد نحوه مدیریت حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده در PTF، میزان تخصیص آن به تکافل اتکابی و سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری نماید (Archer et al., 2009; Jafar, 2007; Ismail, 2011; Yassin and Ramly, 2011; Zalkifli et al., 2012).

۳-۱. تکافل عمومی

تکافل عمومی هر چند نه به‌طور دقیق ولی مشابه ترتیب بیمه متقابل در بیمه مرسوم، عمل می‌نماید. (رامین کوپر میثمی و دبلیو جین کون، بی‌تا) انعقاد قراردادهای تکافل عمومی معمولاً برای بازه زمانی یک ساله یا کمتر صورت می‌گیرد. در پایان مدت تکافل، با موافقت متقابل و دو جانبه متصدی تکافل و مشارکت‌کننده، قرارداد تکافل

تمدید می‌گردد. در پایان مدت بیمه متصدی ریسک مشارکت‌کننده را دوباره ارزیابی می‌نماید (Yassin and Ramly, 2011).

تکافل عمومی دربرگیرنده رشته‌های بیمه‌ای مختلف کوتاه‌مدت (حداکثر ۱۲ ماهه) از جمله بیمه وسایل نقلیه موتوری و بیمه کسب و کار می‌گردد. با توجه به ماهیت کوتاه‌مدت تکافل عمومی، بخشی از حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده باید در سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت با نقدشوندگی بالا به کار رود. با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در تکافل عمومی امکان عمل به تعهدات شرکت تکافل در زمان مشخص فراهم خواهد شد (SohailJafar, 2007).

۲-۳. تکافل خانواده

تکافل خانواده، طرح تکافلی است که با هدف تأمین حفاظت و پس‌انداز بلندمدت مشارکت‌کنندگان ارائه می‌گردد. مشارکت‌کننده تکافل خانواده مبلغ معینی را به صندوق تکافل پرداخت می‌نماید. بخشی از حق مشارکت در صندوق PSA وارد خواهد شد که با نیت تبرع پرداخت می‌گردد. بخش دیگر حق مشارکت در صندوق PA برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به کار خواهد رفت. حساب ویژه مشارکت‌کنندگان به‌منظور عمل به تعهدات متقابل برای کمک و حمایت از مشارکت‌کنندگان یا متکافلینی که خطر مرگ یا بد اقبالی منجر شونده به ناتوانی دائمی برای آنها محقق گردیده است، ارائه می‌گردد (Zulkifli et al., 2012).

حساب ویژه مشارکت‌کنندگان به‌صورت مشاع می‌باشد که با تبرعات دیگر متکافلین جمع می‌شود؛ درحالی‌که صندوق PA به‌صورت فردی می‌باشد. به این صورت که برای هر فردی به‌صورت جداگانه حساب‌های پس‌انداز در نظر گرفته می‌شود (Ismail, 2011). متصدی تکافل مبالغ موجود در صندوق PA را سرمایه‌گذاری می‌نماید و سود حاصل از سرمایه‌گذاری بین متصدی تکافل و مشارکت‌کننده تقسیم می‌گردد. (Zulkifli et al, 2012).

۳-۳. الگوی های تکافل

۳-۳-۱. مدل تعاونی

مدل تعاونی مفهوم مضاربه محض را در عمل به کار می‌گیرد. این مدل ارزش‌های اسلامی همچون برادری، وحدت، انسجام و همکاری متقابل را تشویق می‌نماید. در مفهوم مضاربه خالص (محض)، شرکت تکافل و مشارکت‌کنندگان در درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری مستقیم، سهم می‌شوند، درحالی‌که تمام مازاد بدون هیچ کاهشی متعلق به مشارکت‌کنندگان خواهد بود. در عمل، مفهوم تعاونی، قابل انشعاب به دو مدل اساسی همچون مدل وکالت و مدل مضاربه می‌باشد (Katspis, 2011).

۳-۳-۲. مدل مضاربه

الگوی مضاربه برای اولین بار در سال ۱۳۷۹ در سودان به کار گرفته شد و رویکرد استفاده از این الگو رویکرد غالب در این صنعت است (Abdul Wahab et al, 2007)، اساساً مضاربه به‌عنوان یک قرارداد مشارکت در سود در نظر گرفته می‌شود. این قرارداد تجاری بین طرفی که تأمین‌کننده سرمایه (به‌عنوان صاحب مال) و طرفی که مدیریت‌کننده و اداره‌کننده کسب و کار است، به‌عنوان مضارب صورت می‌گیرد. در مدل مضاربه برای تکافل، مشارکت‌کنندگان به‌عنوان تأمین‌کنندگان سرمایه و متصدی تکافل به‌عنوان مضارب در نظر گرفته می‌شود (Zulkifli et al, 2012).

طرفین تکافل با مدل مضاربه، در سود حاصل از به‌کارگیری سرمایه در فعالیت مورد توافق به نسبت از پیش توافق شده سهم می‌گردند، درحالی‌که زیان تنها توسط مشارکت‌کنندگان (صاحب مال) جبران می‌گردد. در حالت زیان تلاش‌ها و خدمات کارآفرین که در تکافل با عنوان متصدی تکافل شناخته می‌شود، بدون پاداش در نظر گرفته می‌شود. در مدل مضاربه محض، متصدی تکافل تمام هزینه‌های مدیریتی خود را از سهم سود خود پس از تقسیم سود حاصل از سرمایه‌گذاری کسر می‌نماید (Archer et al, 2009).

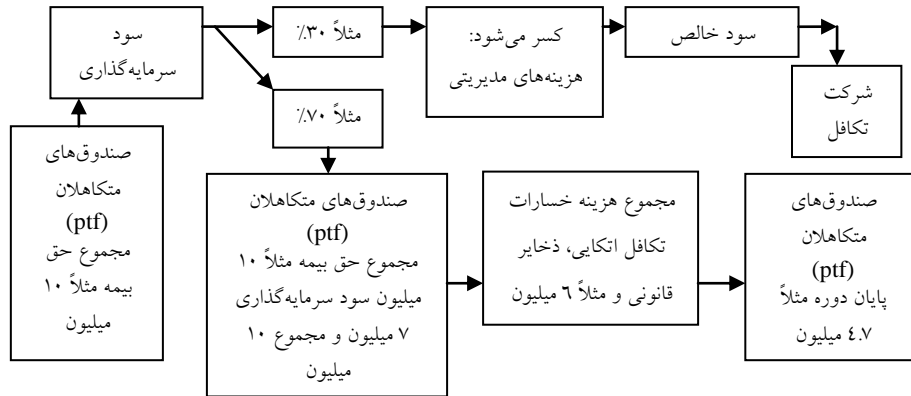
عده‌ای از طرفداران مدل مضاربه در تکافل عمومی خصوصاً در کشور مالزی من جمله ذوالکفلی و همکاران (۲۰۱۲)، اسماعیل (۲۰۱۱)، فضلی یوسف و همکاران

(۲۰۱۱)، یاسین و راملی (۲۰۱۱) بر این نظرند که سود تکافل دربرگیرندهٔ مازاد پذیره‌نویسی و نیز سود سرمایه‌گذاری می‌گردد. لذا متصدی تکافل در هر دو بخش این سود شریک خواهد بود؛ درحالی‌که بسیاری از صاحب‌نظران فقه عامه مازاد پذیره‌نویسی را که از تفاوت بین حق مشارکت‌های موجود در صندوق خسارات و خسارات پرداخت شده به دست می‌آید، انحصاراً در ملکیت مشارکت‌کنندگان در نظر می‌گیرند.^۷ لذا متصدی تکافل تنها از سود سرمایه‌گذاری سهم می‌شود (سود ناخالص) و هزینه‌های مدیریتی نیز از سهم سود ناخالص کسر می‌گردد که سود خالص به دست می‌آید.

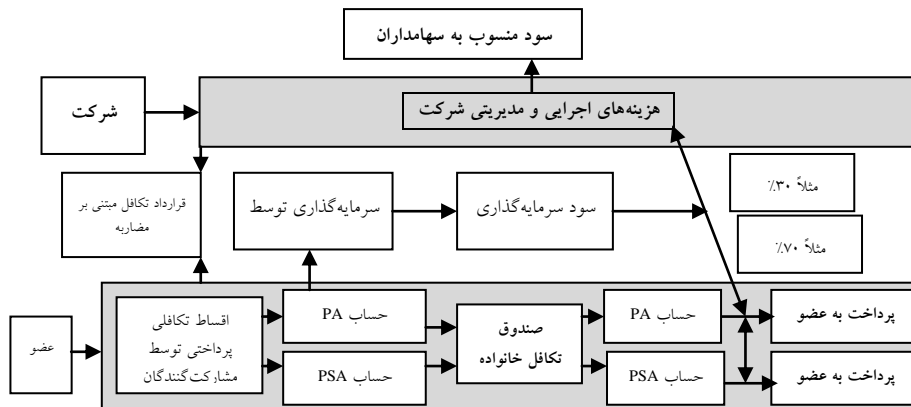
از طرف دیگر همان‌طور که کاتسپیس (۲۰۱۱) عنوان می‌دارد، از آنجاکه مدل مضاربه به‌عنوان یکی از مدل‌های فرعی تعاونی تکافل می‌باشد و در الگوی‌های تعاونی تکافل تمام مازاد پذیره‌نویسی به مشارکت‌کنندگان تعلق دارد و بین آنها تقسیم می‌گردد، بنابراین به نظر می‌رسد در مدل مضاربه تنها سود سرمایه‌گذاری بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌گردد و مازاد پذیره‌نویسی به مشارکت‌کنندگان تعلق دارد.

البته باید متذکر شد که مازاد پذیره‌نویسی برآمده از حق مشارکت‌های مشارکت‌کنندگان به‌منظور کمک متقابل به یکدیگر در جبران خسارات پرداخت گردیده و در حالت مازاد باید بین آنها تقسیم گردد. در صورتی که در مدل مضاربهٔ محض متصدی تکافل تنها در سود سرمایه‌گذاری سهم می‌گردد، مدل مضاربهٔ محض در قالب نمودار شماره یک نشان داده می‌شود. البته آنچه طرفداران مدل مضاربه تحت عنوان شراکت در مازاد پذیره‌نویسی و سود سرمایه‌گذاری از آن یاد می‌کنند، در این مقاله تحت عنوان مدل جعاله به تفصیل بیان خواهد شد.

نمودار شماره (۱). مدل مضاربه برای تکافل عمومی



نمودار شماره (۲). مدل مضاربه تکافل خانواده



منبع: محمدی مهر

۳-۲-۱. مدل مضاربه تعدیل شده

در مضاربه تعدیل شده^۸ همچنان متصدی تکافل در مازاد پذیره‌نویسی سهیم نخواهد بود؛ اما هزینه‌های مدیریتی تکافل قبل از برآورد مازاد پذیره‌نویسی یا کسری آن، از طریق صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل تأمین خواهد شد درحالی‌که در مدل مضاربه محض هزینه‌های مدیریتی تکافل از سهم سود سرمایه‌گذاری (در صورت وجود) متصدی تکافل پرداخت می‌شد.

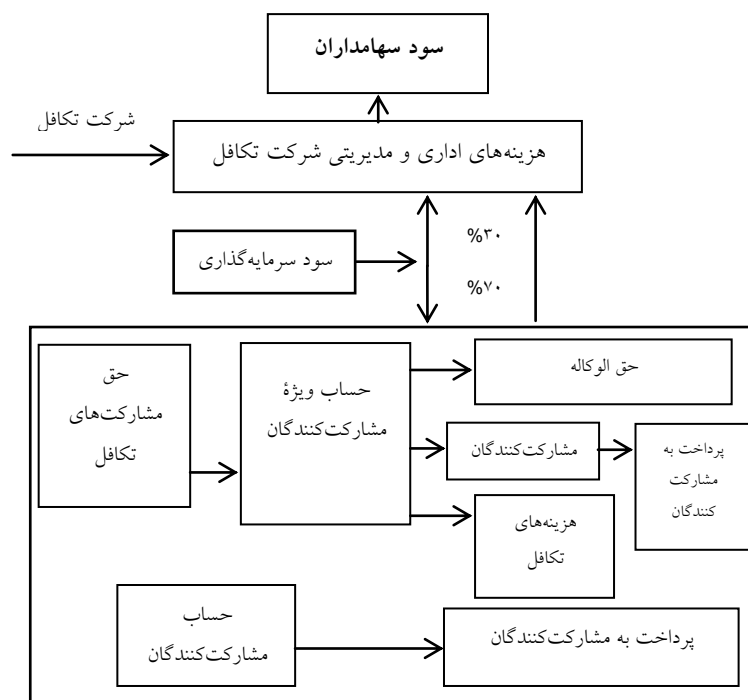
۳-۳-۳. مدل وکالت

مدل وکالت (عاملیت)، به‌عنوان مدل پیشفرض تکافل می‌باشد (Sohail Jafar, 2007). در این الگو، رابطه بین اعضا و شرکت تکافل بر اساس عقد وکالت می‌باشد (Tolefat, 2006). در مدل وکالت همه روابط بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان بر اساس قرارداد عاملیت^۹ صورت می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر متصدی تکافل وکیل یا عامل تکافل است که به نیابت از مشارکت‌کنندگان یا مالکین عمل پذیرهنویسی و سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد (Yassin and Ramly, 2011).

خدمات وکیل (متصدی تکافل) در هر دو زمینه پذیرهنویسی و سرمایه‌گذاری حق مشارکت‌ها تحت عنوان حق‌الوکاله که به‌صورت قراردادی به‌صورت مقدار پولی مشخص یا درصدی از گردش مالی و حجم معاملات (یعنی، اندازه حق مشارکت‌ها یا مبالغ سرمایه‌گذاری شده) جبران می‌گردد و نه به‌صورت درصدی از سود تعهدات.^{۱۰} حق‌الوکاله باید هزینه‌های مدیریتی (غیر از خسارات و هزینه‌های مستقیم بیمه‌گری) و نیز سود سهامداران شرکت تکافل را نیز پوشش دهد. (Archer et al, 2009).

مبلغ حق‌الوکاله که به‌صورت مقدار پولی مشخص به متصدی تکافل پرداخت می‌گردد، از حق مشارکت‌های پرداخت‌شده توسط مشارکت‌کنندگان تأمین می‌گردد؛ به‌عبارت‌دیگر هزینه‌های مدیریتی تکافل در مدل وکالت می‌تواند «پیش از پرداخت»^{۱۱} خسارت‌ها از حق مشارکت‌های پرداخت‌شده توسط مشارکت‌کنندگان کسر گردد (Zulkifli et al, 2012; FazliYosof et al, 2011).

در مدل وکالت محض متصدی تکافل در مازاد پذیرهنویسی شریک نمی‌گردد. متصدی تکافل هیچ مسئولیتی در قبال کسری صندوق مشارکت‌کنندگان ندارد و تمام مازاد پذیرهنویسی انحصاراً متعلق به مشارکت‌کنندگان است (Ismail, 2011).



نمودار شماره (۳). مدل وکالت با عنصر مضاربه: تکافل خانواده
منبع (Zulkifli et al, 2012)

۳-۳-۱. مدل وکالت همراه با پاداش عملکرد^{۱۲}

اندازه‌گیری حق‌الوکاله بر اساس گردش مالی و حجم معاملات (میزان حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده یا میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته) برای متصدیان تکافل سودمحور این انگیزه را ایجاد می‌نماید که اندازه حق مشارکت‌ها یا مبالغ سرمایه‌گذاری شده را افزایش دهند (Archer et al, 2009)؛ به عبارت دیگر نرخ بیمه‌ها یا نرخ مشارکت‌های تکافل را بیشتر از سطح ریسک برآورد نمایند یا در شرایط رقابتی بخش بیشتری از حق بیمه‌ها را به سرمایه‌گذاری اختصاص دهند. بدون اینکه عملکرد متصدی تکافل در مدیریت فرآیند سرمایه‌گذاری تغییر نماید و بهتر گردد. این شیوه پرداخت به متصدی تکافل به نفع مشارکت‌کنندگان نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه بیشتر از نرخ عادلانه حق مشارکت پرداخت می‌نمایند، ریسک نقدینگی و نیز ریسک نکول در

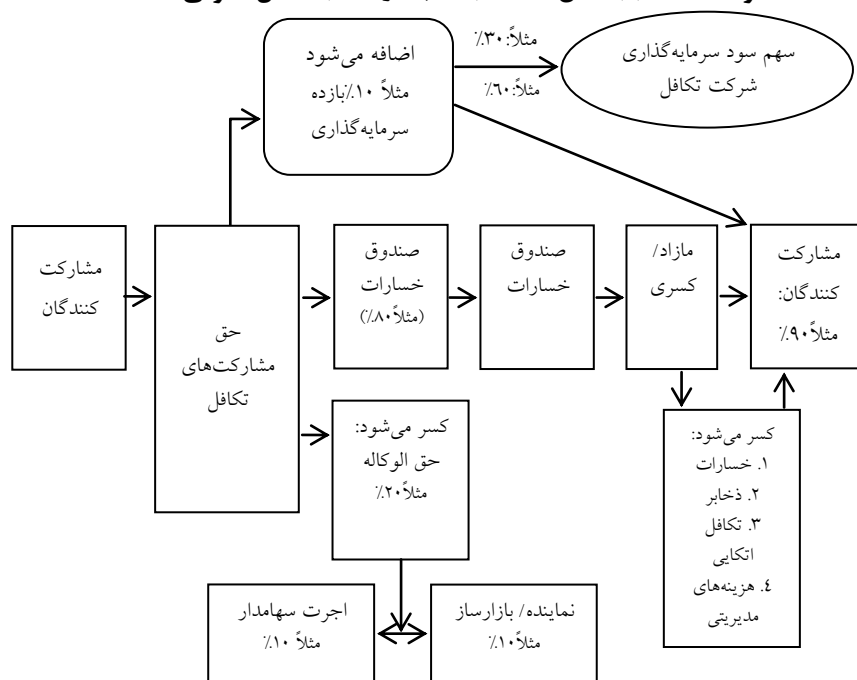
پرداخت تعهدات و جبران خسارات به علت تخصیص غیرکارای بخش زیادی از حق مشارکت‌ها به سرمایه‌گذاری، افزایش می‌یابد. بر این اساس برای جلوگیری از این مشکل و تعارض منافع مشارکت‌کنندگان و متصدی تکافل، به نظر می‌رسد همسوسازی منافع ذی‌نفعان، راهگشا باشد. در مدل «وکالت همراه با پاداش عملکرد» که جبران خدمات متصدی تکافل بر اساس عملکرد او صورت می‌گیرد، می‌تواند منجر به کاهش ریسک نکول و ریسک نقدینگی و کاهش احتمال ایجاد کسری در صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل گردد. به عبارت دیگر متصدی تکافل به منظور جلوگیری از بروز کسری در صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل با مدیریت صحیح حق مشارکت‌ها و تخصیص بهینه حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده به صندوق خسارات و سرمایه‌گذاری، به پاداش عملکرد صحیح خود دست خواهد یافت. البته همچنان انگیزه دریافت حق مشارکت بالاتر از سطح ریسک مشارکت‌کنندگان برای متصدی تکافل باقی خواهد ماند، زیرا در چنین حالتی او در صدد حداکثرسازی مازاد پذیرهنویسی خواهد بود، چون از این مازاد سهم خواهد برد. تنها خطر کسری پذیرهنویسی با در نظر گرفتن پاداش عملکرد از مازاد پذیرهنویسی از بین خواهد رفت.

۳-۳-۴. مدل مختلط

در مدل مختلط بنا بر نگاه‌های مختلف به مدل مضاربه (در تکافل عمومی) می‌توان دو نوع مدل مختلط برای تکافل عمومی و یک مدل برای تکافل خانواده تعریف کرد. به عبارت دیگر از آنجایی که مدل مختلط از ترکیب دو مدل وکالت با پاداش عملکرد و مضاربه (در سرمایه‌گذاری) ایجاد گردیده است، با توجه به اختلاف نگاه‌های کارشناسان تکافل در مدل مضاربه^{۱۳}، ۲ نوع مدل مختلط خواهیم داشت. اگر مدل مضاربه محض به عنوان مدل رایج مضاربه (در تکافل عمومی) در نظر بگیریم همان‌گونه که آرچر و همکاران (۲۰۰۹) و معصوم بالله (۱۳۸۹)، سهیل جعفر (۲۰۰۷) این‌گونه عمل کرده‌اند در این صورت ساختار مدل مختلط به این شکل خواهد بود که بخشی از حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده به عنوان حق‌الوکاله و در بخشی از مازاد به عنوان پاداش عملکرد به متصدی تکافل تعلق می‌گیرد و نیز در سود سرمایه‌گذاری (در قالب مضاربه)

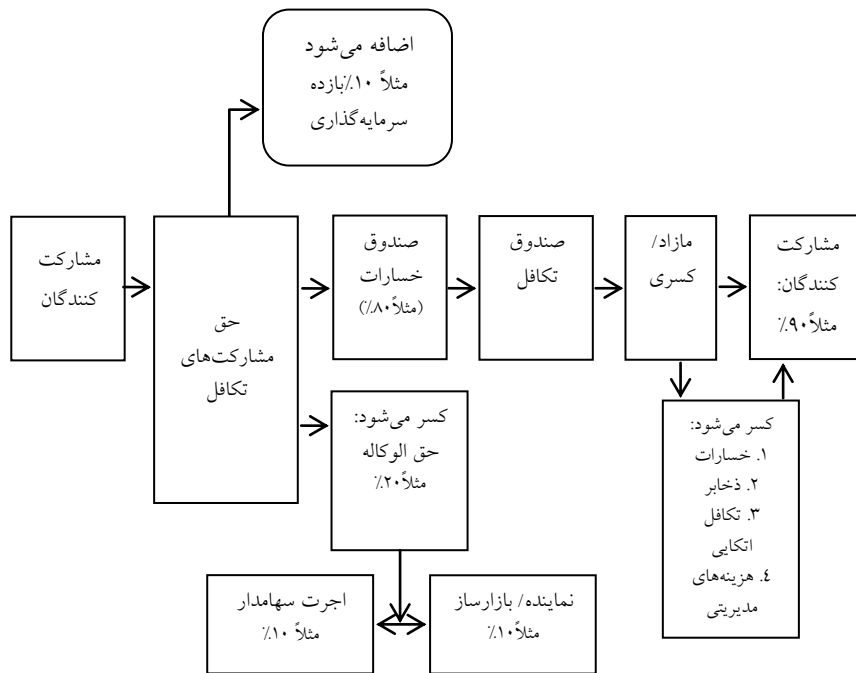
بخشی از حق مشارکت‌ها که به این کار اختصاص داده شده بود، شریک می‌گردد. در صورتی که مدل مضاربه را بر طبق نظر ذوالکفلی و همکاران (۲۰۱۲)، اسماعیل (۲۰۱۱)، فضلی یوسف و همکاران (۲۰۱۱)، یاسین و راملی (۲۰۱۱) به صورت مشارکت در مازاد پذیره‌نویسی بعد از واریز سود سرمایه‌گذاری در نظر بگیریم (مدل جعاله که در ادامه به آن خواهیم پرداخت) متصدی تکافل بعد از دریافت حق‌الوکاله به صورت پیش‌پرداخت از حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده، در مازاد پذیره‌نویسی (البته با نسبت بیشتری نسبت به مدل مضاربه محض سهم خواهد شد) که سود سرمایه‌گذاری به طور کامل قبل از اینکه تقسیم گردد به صندوق خسارات مشارکت‌کنندگان واریز می‌گردد؛ و بعد از پرداخت خسارات و نیز هزینه‌های تکافل اتکایی و ذخایر و هزینه‌های مستقیم پذیره‌نویسی، مازاد باقی مانده در صورت وجود بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان تقسیم خواهد شد.

نمودار شماره (۴). مدل مختلط (مضاربه - وکالت): تکافل عمومی



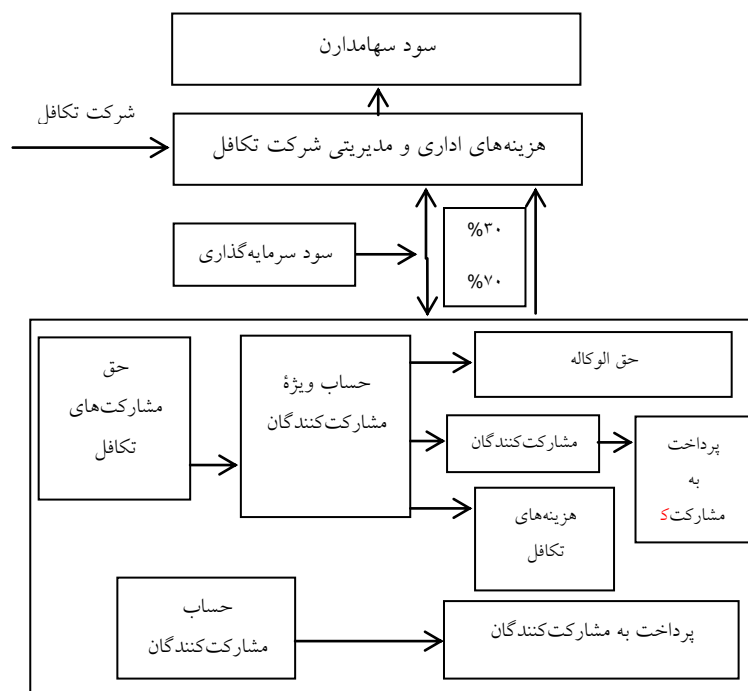
منبع (Zulkifli et al, 2012)

نمودار شماره (۵). مدل مختلط (جعاله - وکالت): تکافل عمومی



منبع (Zulkifli et al, 2012)

نمودار شماره (۶). مدل مختلط (مضاربه - وکالت): تکافل خانواده



منبع (Zulkifli et al, 2012)

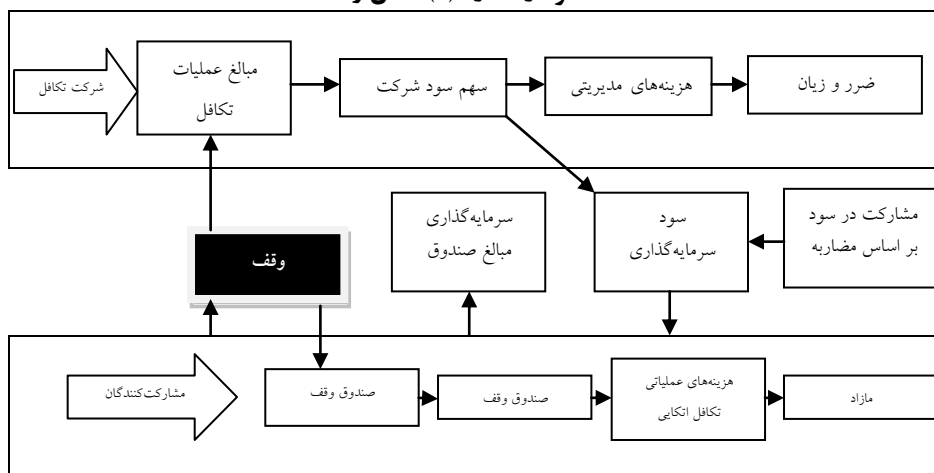
۴-۳-۳. مدل وقف

در مدل وقف - وکالت، ابتدا توسط شرکت تکافل یک صندوق وقف خاص تأسیس می‌شود. سپس اعضا حق بیمه‌های خود را در این صندوق می‌گذارند و حق‌الوکاله از صندوق وقف کسر می‌شود و مابقی وجوه صندوق سرمایه‌گذاری و سود سرمایه‌گذاری بین اعضا و شرکت تقسیم می‌شود. بعد از کسر هزینه‌های اجرایی و پرداخت مطالبات بیمه‌گذاران، مازاد وجوه بین اعضای که هیچ دریافتی نداشته‌اند توزیع می‌شود (Akhter, 2008). متصدی تکافل اجازه برداشت تمام هزینه‌های مدیریتی و نیز هزینه‌های مستقیم پذیرهنویسی را به‌عنوان وکیل یا متصدی تکافل از صندوق وقف خواهد داشت. همچنین متصدی تکافل به‌عنوان مضارب بخشی از حق مشارکت‌های ریخته شده در

صندوق وقف را در سرمایه‌گذاری به کار خواهد گرفت و در سود سرمایه‌گذاری با مشارکت‌کنندگان مشارکت خواهد کرد (Zulkifli et al, 2012; FazliYosof et al, 2011).
 فرق اساسی بین مدل وکالت- مضاربه یا مدل مختلط با مدل وکالت- مضاربه- وقف این است که صندوق مشارکت‌کنندگان یک شخصیت حقوقی خواهد داشت. سهامداران شرکت تکافل سرمایه اولیه (که می‌تواند به صورت اسمی باشد) را برای صندوق وقف تأمین می‌نمایند.

زیرا لازمه شخصیت حقوقی داشتن ملکیت مستقل است. مبالغ مورد نیاز برای اداره شرکت تکافل همچون دیگر مدل‌ها از طریق حق مشارکت‌های مشارکت‌کنندگان تأمین می‌گردد و در موقع کسری نیز از طریق تهیه وام قرض‌الحسنه توسط سهامداران شرکت تکافل (صندوق متصدی تکافل) توانگری صندوق مشارکت‌کنندگان تضمین خواهد شد.

نمودار شماره (۷). مدل وقف



منبع (Zulkifli et al, 2012)

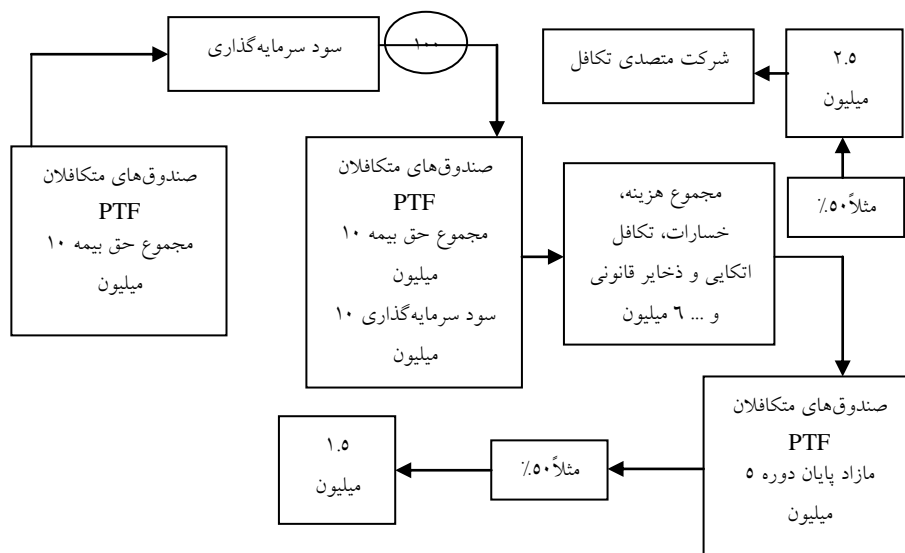
۳-۳-۵ مدل جعاله^{۱۴}

قرارداد جعاله شبیه به قرارداد وکالت می‌باشد با این تفاوت که پرداخت به عامل بر اساس محصول و عملکرد عامل یا نماینده (متصدی تکافل) صورت می‌گیرد

(Iqbal, 2005). این قراردادها می‌تواند برای توسعه شعب یا نمایندگی‌ها مورد استفاده قرار بگیرد (تیموری و قندچی‌لر، ۱۳۸۷).

از طرفی بسیاری از کارشناسان تکافل در مالزی مدل جعاله را همان مدل مضاربه در نظر گرفته‌اند.^{۱۵} به عبارت دیگر در صورتی که بعد از اضافه شدن سود سرمایه‌گذاری به صندوق مشارکت‌کنندگان و نیز برداشت خسارات هزینه‌های مستقیم پذیره‌نویسی و تکافل اتکایی، هر آنچه به عنوان مازاد باقی بماند بین متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان تقسیم خواهد شد. مازاد پذیره‌نویسی مذکور متشکل از سود سرمایه‌گذاری‌ای است که قبل از تقسیم بین طرفین سرمایه‌گذاری (متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان) به صندوق خسارات مشارکت‌کنندگان وارد گردیده و در تضمین توانگری صندوق مشارکت‌کنندگان نقش داشته است. از طرفی با توجه به اینکه متصدی تکافل ریسک تضمین توانگری صندوق مشارکت‌کنندگان را نیز تحمل کرده است به نسبت بیشتری از مازاد پذیره‌نویسی بهره‌مند خواهد شد؛ برعکس حالت مضاربه محض که تنها در سود سرمایه‌گذاری شریک می‌گردد.

نمودار شماره (۸). مدل جعاله: تکافل عمومی



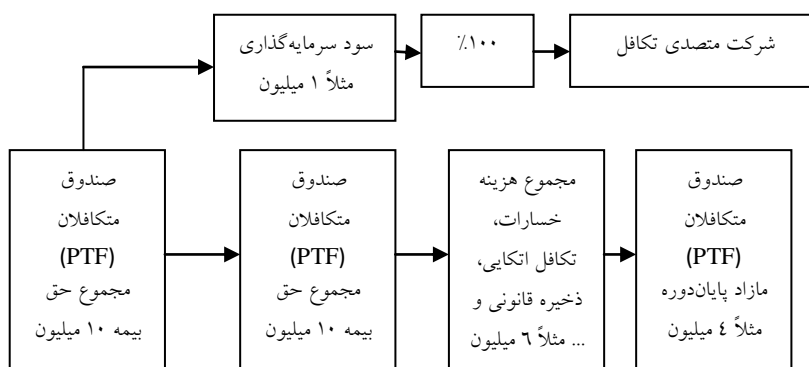
۶-۳-۳ مدل ودیعه

قرارداد ودیعه، مکانیزمی است که فردی دارایی خود را به‌منظور حفظ و نگهداری به شخص دیگری امانت می‌دهد. در بانکداری اسلامی، ودیعه یا ضمانت (ایمن نگهداری همراه با تضمین) شکلی از ودیعه است که به‌طور گسترده قابل استفاده است. تحت قرارداد ودیعه یا ضمانت، بانکداری اسلامی به‌عنوان نهاد امانت‌دار یا امین پول‌هایی که توسط مشتری سپرده‌گذاری شده است، عمل می‌نماید. به‌رحال همان‌گونه که مشتری به نهاد بانکداری اسلامی اجازه استفاده و به‌کارگیری سپرده‌اش را می‌دهد، نهاد بانکداری اسلامی نیز ملزم به تضمین سپرده است. در ازای استفاده و به‌کارگیری سپرده‌های گذاشته شده نهاد بانکداری اسلامی، در صورت صلاحدید، ممکن است به مشتریان خود هبه بدهد (Bank Negara Malaysia, 2010).

در تکافل قرارداد ودیعه این‌گونه به‌کار می‌رود که متصدی تکافل حق مشارکت‌ها را به‌صورت امانت از متکافلان یا صندوق مشارکت‌کنندگان دریافت می‌دارد و متصدی تکافل همچنان مدیریت استفاده از وجوه صندوق مشارکت‌کنندگان را بر عهده دارد. حق مشارکت‌های واریزشده در صندوق مشارکت‌کنندگان به‌منظور تسهیم ریسک و مشارکت در ریسک تعدادی از مشارکت‌کنندگان با ریسک مشترک می‌باشد. در عمل از آنجا که حق مشارکت‌ها به‌صورت امانت در اختیار متصدی تکافل قرار می‌گیرد، متصدی تکافل بخشی از حق مشارکت‌ها را در سرمایه‌گذاری به‌کار می‌اندازد و تمام بازدهی سرمایه‌گذاری متعلق به متصدی تکافل خواهد بود. البته پرداخت اصل حق مشارکت‌های داده شده به متصدی تکافل تضمین می‌شود.

در این مدل هزینه‌های پذیره‌نویسی و تکافل‌اتکایی و جبران خسارات از صندوق تکافل پرداخت می‌گردد؛ و نیز مازاد پذیره‌نویسی نیز تماماً بین متکافلان تقسیم می‌گردد.

نمودار شماره (۹). مدل ودیعه: تکافل عمومی



۷. آسیب‌شناسی الگوهای تکافل از منظر ذی‌نفعان

از منظر متصدی تکافل، در وضعیت اعمال چنین محدودیتی، مدل مضاربه کارایی خود را برای تکافل عمومی از دست می‌دهد، زیرا در تکافل عمومی بخش نسبتاً کوچکی از حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده به سرمایه‌گذاری اختصاص داده می‌شود که نتیجتاً سهم متصدی تکافل از سود سرمایه‌گذاری (در صورت وجود) ناچیز خواهد بود.

البته با در نظر گرفتن بخشی از مازاد پذیره‌نویسی برای متصدی تکافل، با افزایش مازاد پذیره‌نویسی، درآمد او نیز افزایش می‌یابد^{۱۶}. لذا انگیزه درآمدی منجر به پیگیری هدف حداکثرسازی مازاد پذیره‌نویسی توسط متصدی تکافل می‌گردد، درحالی که مازاد پذیره‌نویسی بهینه از منظر مشارکت‌کنندگان باید نزدیک به صفر باشد. به عبارت دیگر مشارکت‌کنندگان به دنبال پرداخت نرخ مشارکت عادلانه متناسب با سطح ریسک خود هستند و نه نرخ مشارکت بالاتر (Archer et al, 2009; SohailJafar, 2007).

البته این مسئله در حالتی که تعداد شرکت‌های بیمه در صنعت بیمه در رشته‌های مختلف زیاد شود، به علت فضای رقابتی ایجادشده، قابل حل است. توضیح بیشتر اینکه در شرایط آزادسازی بازار تکافل، متصدیان تکافل شرکت‌های مختلف به دنبال پایین آوردن حق مشارکت‌های پیشنهادی خود تا حد ممکن و نزدیک‌سازی نرخ مشارکت‌های پیشنهادی به سطح ریسک متکافلان‌شان می‌باشند.

نقطه ضعف دیگر مدل مضاربه محض از منظر متصدی تکافل به عنوان یکی از ذی‌نفعان، عدم در نظر گرفتن پاداش (قطعی بدون تحمل ریسک) به ازای خدمات بیمه‌گری و هزینه‌های مدیریتی بیمه‌گری می‌باشد. لذا در صورتی که از مازاد پذیره‌نویسی سهمی برای متصدی تکافل در نظر گرفته نشود، عملاً بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری و نیز تمام ریسک فعالیت بیمه‌گری به متصدی تکافل منتقل می‌گردد؛ زیرا علاوه بر اینکه در صورت کسری پذیره‌نویسی ما به ازای بیمه‌گری برای متصدی تکافل در نظر گرفته نمی‌شود، متصدی تکافل باید وام قرض‌الحسنه‌ای را نیز برای صندوق PTF از صندوق سهامداران^{۱۷} شرکت تکافل فراهم نماید؛ و نیز ممکن است سرمایه‌گذاری متصدی تکافل تحت عنوان عامل سودده نباشد. در چنین حالتی، متصدی تکافل علاوه بر تحمل ریسک عاملیت در فعالیت سرمایه‌گذاری در قالب مضاربه، بابت فعالیت بیمه‌گری نیز هیچ درآمدی ندارد و در صورت کسری مازاد پذیره‌نویسی موظف به تهیه وام قرض‌الحسنه برای صندوق خسارات (PTF) خواهد بود. از سویی دیگر در بهترین حالت (یعنی عدم وجود کسری پذیره‌نویسی و سود قابل قبول سرمایه‌گذاری در قالب مضاربه)، عملاً هزینه‌های مدیریتی و بیمه‌گری از سهم سود مضارب (متصدی تکافل) دریافت می‌گردد؛ و در صورتی که سهم سود مضارب به میزانی نباشد که هزینه‌های مدیریتی و بیمه‌گری را پوشش دهد، متصدی تکافل با زیان مواجه خواهد شد.

در وضعیتی که ذخایر PTF ایجاد نگردیده است، ریسک زیادی برای متصدی تکافل ایجاد می‌شود. توضیح بیشتر اینکه وقتی خسارات بیش از حق مشارکت‌های جمع‌آوری شده باشد و کسری به وجود بیاید متصدی تکافل علاوه بر اینکه هیچ‌گونه درآمدی بابت خدمات خود دریافت نمی‌دارد، باید وام قرض‌الحسنه‌ای را از طریق سهامداران شرکت تکافل که جدای از صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل می‌باشند، فراهم نماید تا توانگری صندوق مشارکت‌کنندگان در عمل به تعهدات خود و جبران خسارات تضمین گردد. این وضعیت موجودیت متصدی تکافل را به خطر می‌اندازد. خصوصاً اگر موقعیت کسری در چندین سال تکرار گردد. به همین منظور برخی ترتیبات تکافل اجازه تأمین هزینه‌های مدیریتی تکافل را، علاوه بر هزینه‌های مستقیم جبران خسارت،

از صندوق مشارکت‌کنندگان قبل از برآورد مازاد پذیرهنویسی یا کسری آن، صادر می‌نمایند (Archer et al, 2009).

در مدل وقف، تأمین سرمایه وقفی به منظور تضمین توانگری صندوق تکافل در عمل به تعهدات خود نیست، بلکه تنها برای اعطا شخصیت حقوقی به صندوق وقف تکافل می‌باشد (Archer et al, 2009). فرق اساسی مدل وقف با دیگر مدل‌های تکافل این است که ملکیت مبالغ و حق مشارکت‌های هبه شده از مشارکت‌کنندگان به صندوق وقف (که دارای شخصیت حقوقی است) منتقل می‌شود. در مدل‌های دیگر (غیر از وقف) تکافل بر پایه و اساس بیمه‌های متقابل^{۱۸} کار می‌کند. به عبارت دیگر عملاً در هنگام وجود کسری و نبود ذخایر کافی در صندوق تکافل باید مشارکت‌کنندگان مورد «فراخوانی (برای) پرداخت»^{۱۹} بیشتر حق مشارکت‌ها قرار بگیرند. چیزی که در عمل اجرا نمی‌شود و سهامداران صندوق TO موظف به تأمین قرض‌الحسنه‌ای برای صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل خواهند بود. عملاً بازپرداخت وام قرض‌الحسنه در حالتی که صندوق مشارکت‌کنندگان دارای شخصیت حقوقی مستقل نمی‌باشد و مالکیت آن به‌طور مشترک متعلق به مشارکت‌کنندگان است، باید توسط همان مشارکت‌کنندگان بازپرداخت گردد.

در حالی که در تکافل عمومی که کوتاه‌مدت می‌باشد و معمولاً یک ساله یا کمتر می‌باشد، بار مالی بازپرداخت قرض‌الحسنه را مشارکت‌کنندگان آتی متحمل خواهند شد. حال در شرایط رقابتی با توجه به اینکه باید ترازنامه مالی تکافل برای جلوگیری از بروز غرر، دارای شفافیت کافی باشد، عملاً در صورت متعهدسازی مشارکت‌کنندگان آتی به بازپرداخت قرض‌الحسنه، سهم تکافل از تقاضای بیمه به شدت کاهش خواهد یافت و چه بسا با پدیده انتخاب معکوس مواجه گردد. زیرا تنها متکافلان و مشارکت‌کنندگان با سطح ریسک بالا متقاضی تکافل خواهند شد که ریسک نکول و ورشکستگی شرکت را فزونی خواهد بخشید.

در چنین وضعیتی سهامداران خود به‌تنهایی بار مالی قرض‌الحسنه را متحمل می‌شوند تا از بروز چنین مشکلی جلوگیری نمایند. در مدل وقف با توجه به اینکه صندوق مشارکت‌کنندگان یا صندوق وقف از ملکیت مشارکت‌کنندگان خارج می‌گردد

و نیز الزامات فراخوانی پرداخت مجدد به صورت شفاف‌تری برداشته می‌شود، به نظر آرچر و همکاران (۲۰۰۹) مازاد پذیره‌نویسی در صندوق وقف باقی می‌ماند و به هیچ یک از متکافلان یا مشارکت‌کنندگان نخواهد رسید؛ اما دیگر کارشناسان تکافل همچون یاسین و راملی (۲۰۱۱)، اسماعیل (۲۰۱۱)، ذوالکفلی و همکاران (۲۰۱۲)، فضل‌یوسف و همکاران (۲۰۱۱) در مالزی بر این نظرند که بخشی از مازاد پذیره‌نویسی بین مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌گردد و بخشی نیز به عنوان ذخایر در صندوق وقف نگهداری می‌شود. البته با توجه به اینکه تمام کارشناسان تکافل برای صندوق وقف شخصیت حقوقی مستقل قائل هستند، تعیین اینکه چه مقدار از مازاد پذیره‌نویسی باید درون صندوق باقی بماند، توسط متصدی تکافل به عنوان متولی وقف مشخص می‌گردد. البته مدل وقف از لحاظ فقهی چالش‌های زیادی دارد و بسیاری از کارشناسان دینی و فقها این مدل را رد می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر در مدل وقف این است که به علت قائل شدن شخصیت حقوقی برای صندوق وقف، عملاً تفاوت اساسی تکافل^{۲۰} (در قالب ساختار وقف) با بیمه متداول از بین می‌رود. به عبارت دیگر تسهیم و مشارکت در ریسک بین مشارکت‌کنندگان (همان سازوکاری که در بیمه متقابل موجود است) تبدیل به خرید تأمین و بیمه‌نامه از یک شخصیت حقوقی مستقل با عنوان صندوق وقف می‌گردد که عملاً تفاوت اساسی چندانی با بیمه متداول نخواهد داشت.^{۲۱}

به نظر می‌رسد مشکل اساسی موجود در مدل‌های فوق تعارض منافع متصدی تکافل با مشارکت‌کنندگان است که با توجه به همه اقدامات و تغییرات صورت گرفته در الگوی‌های ساختاری همچنان از عدم همسویی منافع رنج می‌برد. از آنجایی که در مدل وکالت، حق‌الوکاله به عنوان درصدی از درآمد جمع‌آوری شده ناشی از جمع‌آوری حق بیمه‌ها خواهد بود، لذا انگیزه عامل (متصدی تکافل) افزایش گردش مالی و حق بیمه‌های جمع‌آوری شده خواهد بود. حال روش‌های مورد استفاده برای افزایش برآیند حق بیمه‌های جمع‌آوری شده از دو طریق دنبال خواهد شد؛ یا اینکه حق بیمه‌های مشارکت‌کنندگان پایین‌تر از حد ممکن در نظر گرفته شود، به طوری که تعداد افراد بیشتری به عنوان مشارکت‌کننده متقاضی تکافل باشند. در این صورت ممکن است حق مشارکت‌های دریافتی پایین‌تر از سطح ریسک مشارکت‌کنندگان باشد که ریسک کسری

پذیره‌نویسی افزایش می‌یابد؛ و یا ممکن است راه‌برد دریافت حق مشارکت بیشتر از سطح ریسک مشارکت‌کنندگان اتخاذ گردد که در چنین حالتی نیز حق مشارکت ناعادلانه وضع گردیده است.

با توجه به اینکه مازاد پذیره‌نویسی باقی‌مانده در صندوق تکافل متعلق به مشارکت‌کنندگان است، در صورت مشارکت دادن متصدی تکافل در مازاد پذیره‌نویسی می‌تواند انگیزه متصدی تکافل برای افزایش حق مشارکت‌های دریافتی به‌منظور افزایش مازاد پذیره‌نویسی افزایش یابد (البته سهم نمودن متصدی تکافل در مازاد پذیره‌نویسی با هدف بهبود مدیریت صندوق تکافل توسط متصدی تکافل به‌منظور جلوگیری از کسری پذیره‌نویسی با رویکرد همسوسازی منافع ذی‌نفعان صورت می‌گیرد).

تنها با احتساب نیروهای بازار و ایجاد شرایط رقابتی در بازار تکافل، TO به دنبال بهینه‌یابی مقدار حق مشارکت‌ها خواهد بود. به‌طوری که مازاد پذیره‌نویسی باقی‌مانده حداکثر گردد. با توجه به این قید که حق بیمه‌های دریافتی حداقل شود. البته اگر در این بهینه‌یابی حداکثر تلاش TO، برای مدیریت صحیح وجوهات موجود در PTF در نظر گرفته شود که همراه با هزینه و عدم مطلوبیت برای او خواهد بود، بهترین نتیجه به دست خواهد آمد. در مواردی مازاد پذیره‌نویسی ممکن است به علت تعهدات بالقوه‌ای که در آینده بالفعل می‌شود، تبدیل به کسری زیان گردد و امکان بازگرداندن وجوه داده‌شده به TO تحت عنوان مشارکت در مازاد ممکن نیست. برای حل این مشکل از راه‌برد آستانه سود استفاده می‌شود. توضیح بیشتر اینکه در صورتی که مازاد از مقدار مشخصی بیشتر گردید، بخشی از مازاد به TO تعلق می‌گیرد.

از طرف دیگر برای حل مشکل بالا در نظر گرفتن حق مشارکت بالاتر از سطح ریسک در شرایط انحصاری و نیز جلوگیری از پذیرش ریسک اضافی توسط TO (به‌منظور افزایش مازاد پذیره‌نویسی باقی‌مانده در پایان سال مالی) از راه‌برد محدودیت قانونی (تعیین سقف برای میزان سهم‌بری TO در مازاد پذیره‌نویسی) استفاده خواهد شد. به‌بیان‌دیگر، گرچه میزان مشارکت TO در مازاد پذیره‌نویسی به‌صورت درصدی از مازاد خواهد بود، اما باین‌حال در صورت بالا رفتن بیش‌ازحد مازاد پذیره‌نویسی، حداکثر مبلغی به‌عنوان سهم مشارکت‌کننده در نظر گرفته خواهد شد. در تکافل

مسئولیت زیان در صندوق تکافل بر عهده متصدی تکافل (و سهامداران آن) نخواهد بود و این PTF (و در واقع مشارکت‌کنندگان) هستند که در زیان سهام می‌گردند و TO تنها در سود می‌تواند سهام شود.

علت قرار دادن محدودیت برای سهام‌بری متصدی تکافل، عدم پذیرش ریسک اضافی است. به بیان دیگر از آنجایی که مازاد یک برآورد و تخمینی از سود نهایی پذیره‌نویسی است، ممکن است در آینده پس از پرداخت تمام تعهدات به کسری تبدیل گردد یعنی علی‌رغم مدیریت صحیح، در صورت پذیرش ریسک اضافی (گرفتن حق مشارکت از مشارکت‌کنندگان به میزانی پایین‌تر از سطح ریسک مشارکت‌کنندگان به منظور افزایش گردش مالی در نتیجه تعداد مشارکت‌کنندگان و یا پذیرفتن ریسک بیش از میزان کفایت سرمایه و ذخایر جمع‌آوری‌شده) ممکن است در سال اول مازادی بیشتر از آستانه تقسیم سود تشکیل گردد؛ اما در آینده زیان و کسری پذیره‌نویسی داشته باشیم. لذا از TO این شرایط سود کسب می‌نماید؛ که در نتیجه این وضعیت TO صاحب بخشی از مازاد اولیه (که در آینده به کسری تبدیل گردیده) شده است که نمی‌توان TO را مجبور به بازگرداندن آن سهم از سود نمود. لذا برای حل این مشکل و جلوگیری از پذیرش ریسک اضافی و نیز تضمین مدیریت صحیح وجوه موجود در PTF، از سازوکاری تحت عنوان محدودیت قانونی در سهام‌بری متصدی تکافل در مازاد پذیره‌نویسی اقدام خواهیم نمود. تمام این سازوکارها و تغییرات ساختاری در مدل تنها در صورتی مفید و مؤثر خواهد بود که قبل از اعمال این تغییرات، ابزارهای نظارتی مشارکت‌کنندگان در تکافل و حاکمیت شرکتی آنها تقویت گردد.

در تکافل که از لحاظ ساختاری شباهت بسیاری با بیمه‌های متقابل دارد، تفاوت‌های قابل توجهی نیز با بیمه‌های متقابل دارد. گرچه در تکافل همچون بیمه متقابل تسهیم و مشارکت در ریسک بین بیمه‌گذاران یا مشارکت‌کنندگان صورت می‌گیرد و نه انتقال ریسک بین متصدی تکافل و مشارکت‌کننده و مالکیت حق مشارکت‌ها متعلق به مشارکت‌کنندگان است و نیز در هنگام از بین رفتن و انحلال صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل تمام دارایی آن به مشارکت‌کنندگان تعلق دارد، اما در هر صورت متصدی تکافل که دارای سهامدارانی است، مدیریت و اختیار اداره حق

مشارکت‌های جمع‌آوری‌شده در صندوق مشارکت را بر عهده خواهد داشت. به عبارت دیگر این متصدی تکافل است که تعیین می‌نماید چه بخشی از حق مشارکت‌ها به‌عنوان ذخیره احتیاطی در صندوق خسارات نگهداری شود و چه مقدار از وجوهات PTF به سرمایه‌گذاری اختصاص داده شود.

از طرف دیگر متصدی تکافل است که تعیین می‌نماید که آیا مازاد پذیره‌نویسی (در صورت وجود) بین مشارکت‌کنندگان تقسیم گردد یا خیر؟ به عبارت دیگر گرچه مازاد پذیره‌نویسی متعلق به مشارکت‌کنندگان است اما اختیار اداره و تقسیم یا نگهداری یا سرمایه‌گذاری دوباره آن بر عهده متصدی تکافل خواهد بود. به نظر می‌رسد از بین بردن اختیارات نظارتی و حق کنترل بیمه‌گذاران در بیمه متقابل و تقدیم آنها به متصدی تکافل با توجه به نظریه عامل تا حدود زیادی تضاد منافع بین متصدی تکافل به‌عنوان مدیر و مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مالک را شدت بخشیده باشد و کفه ترازوی رقابت را به نفع متصدی تکافل سنگین نماید.

به عبارت دیگر گرچه به‌ظاهر کالبد تکافل همچون ساختار بیمه متقابل طراحی گردیده است اما اثری از روح بیمه متقابل در این جسم (تکافل) وجود ندارد. این در حالی است که برای کاهش حداکثری تضاد منافع بین مدیر و مالک در بیمه‌های متقابل استفاده از رویکرد تخصصی‌سازی فعالیت‌های مدیر برای محدود کردن هر چه بیشتر او و نظارت و کنترل بیشتر عملکرد مدیر به کار گرفته می‌شود. با استفاده از نظریه عامل برای کاهش تضاد منافع بین مدیر و بیمه‌گذاران در بیمه متقابل استفاده از مدیران غیراجرایی و ناظر در هیأت مدیره بیمه متقابل را پیشنهاد می‌شود، در حالی که حقوق نظارتی و کنترلی بیمه‌گذاران (مشارکت‌کنندگان) در تکافل به حداقل ممکن تقلیل یافته است! تنها مستمسک مشارکت‌کنندگان در تکافل لزوم تأمین وام قرض‌الحسنه از جانب سهامداران شرکت تکافل است که در بعضی شرکت‌های تکافل این وظیفه و الزام نیز از دوش متصدی تکافل برداشته شده است. حال با فرض وجود این الزام در مدل‌های تکافل برای متصدی تکافل و پیشنهاد سازوکار مشارکت در ریسک بین متصدی تکافل به‌عنوان عامل و مضارب (در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری) با مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مالک و نیز پرداخت حق‌الزحمه متصدی تکافل و پاداش عملکرد به متصدی تکافل

به‌عنوان ابزاری که همسوسازی منافع را برای مشارکت‌کنندگان و متصدی تکافل به همراه خواهد داشت، می‌تواند تا حدود زیادی مشکل تضاد منافع موجود بین مشارکت‌کنندگان و متصدی تکافل را به‌عنوان ذی‌نفعان تکافل هموار نماید.

با توجه به اختیارات بسیار زیاد متصدی تکافل در اداره، توزیع و تخصیص وجوهات صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل برای سرمایه‌گذاری و جبران خسارات و نیز توزیع یا نگهداری مازاد پذیرهنویسی، به نظر می‌رسد تنها در صورت مشارکت متصدی تکافل در سود و زیان پذیرهنویسی و پرداخت پاداش عملکرد و حق‌العامل فعالیت‌های بیمه‌ای و پذیرهنویسی بر اساس وضعیت عملکرد متصدی تکافل تا حدودی احقاق حقوق بیمه‌گذاران را رقم زند.

با توجه به ۲ ساختار متفاوت موجود در دنیا برای فعالیت‌های بیمه‌ای، یعنی بیمه‌های مالکانه در یک سر طیف و بیمه متقابل در دیگر سر طیف فعالیت‌های بیمه‌ای، نزدیکی هر چه بیشتر ساختار و سازوکار تکافل به ساختار بیمه متقابل و اعطای حقوق مالکیتی و نظارتی و دیده‌بانی به مشارکت‌کنندگان می‌تواند هزینه‌های مبادله در فعالیت‌های بیمه‌ای و نیز تحقق حداکثری اهداف فعالیت بیمه‌ای در تکافل را از منظر مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مالکان PTF محقق سازد. در سودان ساختار تکافل تا حدود زیادی نزدیک و مشابه با بیمه‌های متقابل می‌باشد. درحالی‌که در پاکستان ساختار وقف و در مالزی الگوی وکالت برای تکافل اجرایی می‌گردد.

گرچه در بیمه‌های متعارف و مالکانه تمام مازاد پذیرهنویسی متعلق به سهامداران شرکت بیمه است اما الزامات و تعهدات بیمه‌گر در بیمه‌های مالکانه بیشتر از متصدی تکافل می‌باشد. با این وجود امکان ایجاد بسیاری از صورت‌سازی‌های ترازنامه مشارکت‌کنندگان شرکت تکافل توسط متصدی تکافل می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که نشان‌دهنده کسری در PTF باشد درحالی‌که در واقع امر صندوق مشارکت‌کنندگان تکافل با کسری مواجه نشده باشد. به‌عنوان مثال می‌توان هزینه‌های مدیریتی را در ترازنامه مشارکت‌کنندگان که حسابی جدای از حساب و ترازنامه سهامداران شرکت تکافل است، این‌گونه تنظیم نمود که در ترازنامه مشارکت‌کنندگان در ابتدای امر بخشی از حق مشارکت‌های مشارکت‌کنندگان به‌عنوان حق‌الوکاله به متصدی تکافل تعلق گیرد

و به‌عنوان بدهی‌ها و هزینه‌ها در نظر گرفته شود و در پایان نیز بعد از کسر تمام هزینه‌ها، هزینه‌های مدیریتی تکافل را (به‌صورت مجدد) آن‌قدر بالا در نظر گرفت که تمام مازاد پذیرهنویسی به کسری پذیرهنویسی تبدیل گردد که عملاً، در چنین وضعیتی ۲ بار هزینه‌های مدیریتی به نفع متصدی تکافل محاسبه گردیده است زیرا حق‌الوکاله باید پوشش‌دهنده هزینه‌های مدیریتی نیز باشد. در نهایت نیز تمام مازاد پذیرهنویسی نصیب متصدی تکافل و شرکت تکافل گردیده است و به علت وام قرض‌الحسنه صوری که شرکت تکافل و متصدی تکافل از سهام‌داران خود فراهم نموده است امکان دریافت حق بیمه‌های بالاتر از مشارکت‌کنندگان آتی در شرایط غیررقابتی بازار بیمه برای متصدی تکافل فراهم خواهد شد. در نتیجه تقویت حاکمیت شرکتی امکان مقابله با انتخاب نامساعد از منظر مشارکت‌کنندگان (انتخاب متصدی تکافل ریسکی و غیرتوانمند در مدیریت وجوهات صندوق تکافل) و نیز خطرات اخلاقی (حساب‌سازی و کسری جلوه دادن مازاد پذیرهنویسی و یا عدم دقت در مدیریت بهینه صندوق مشارکت‌کنندگان در نتیجه حمایت‌های نهادهای نظارتی برای جبران کسری صندوق خسارات) فراهم خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله بررسی جامع ساختار و مدل‌های مختلف تکافل در دو سطح عمومی و خانواده در ساختارهای مورد استفاده در دنیا تحت عناوین مضاربه، مضاربه تعدیل‌شده، وکالت، وکالت همراه با پاداش عملکرد، مدل مختلط (جعاله-وکالت) در سطح عمومی، مدل مختلط (مضاربه-وکالت) در سطح خانواده، مدل وقف، مدل جعاله (تکافل عمومی)، مدل ودیعه صورت پذیرفت و نیز به‌صورت تطبیقی و مقایسه‌ای تفاوت‌های این الگوها و سطوح مورد استفاده آنها معرفی و مورد مذاقه قرار گرفت. دومین نوآوری این مقاله این است که مدل‌های ودیعه و جعاله و تفکیک تفاوت‌های اساسی مدل مضاربه و مدل جعاله در تکافل عمومی معرفی و تبیین گردید. در نهایت با استفاده از نظریه عامل، به این نتیجه می‌رسیم که تضاد منافع بین مدیر و مالک در تکافل به علت فاصله گرفتن از ساختار بیمه متقابل تشدید می‌گردد.

تا زمانی که مشارکت‌کنندگان تکافل به‌عنوان صاحبان PTF دارای هیچ‌گونه ابزار نظارتی و کنترلی بر عملکرد متصدی تکافل و نحوه مدیریت وجوه آن نباشند، به نظر می‌رسد تغییرات ساختاری الگوهای مختلف تکافل هدف ما را از قیمت‌گذاری عادلانه و نیز همسویی منافع ذی‌نفعان در راستای اهداف و ترجیحات صاحبان اصلی تکافل (مشارکت‌کنندگان) محقق نخواهد نمود و راهکار کاهش هزینه‌های عامل در تکافل، نزدیک شدن به ساختار بیمه متقابل و محدود کردن اختیارات متصدی تکافل و افزایش اختیارات مشارکت‌کنندگان و نیز همسوسازی منافع متصدی تکافل و مشارکت‌کنندگان در صورت امکان است. گامی که سودان در حرکت به سمت آن موفق عمل کرده است. با تقویت حاکمیت شرکتی در ساختار تکافل، شرط لازم برای کم کردن عدم تقارن اطلاعات موجود بین ذی‌نفعان و مشکلات ناشی از آن همچون انتخاب نامساعد و خطرات اخلاقی کاهش خواهد یافت.

یادداشت‌ها

۱. «Ex ante» با استفاده از آمارهای جمع‌آوری شده از گذشته، توزیع احتمال متغیر استخراج می‌گردد و با استفاده از توزیع احتمال استخراج گردیده احتمال خسارت برای خطرات مختلف برآورد و پیش‌بینی می‌گردد.

2. Wekalah Model With Performance Fee
3. Hybrid Model
4. Participants
5. Participants Takaful Fund
6. Takaful Operator

۷. از نظر فقه اثناعشری به نظر می‌رسد نیت تبرع یا هبه، حق مشارکت‌ها را از ملکیت مشارکت‌کننده یا متکافل خارج نماید؛ به عبارت دیگر نیت تبرع یا هبه هرچند مشروط به مشارکت در مازاد پذیره‌نویسی و دریافت خسارات باشد، باز هم در ملکیت مشارکت‌کننده نخواهد بود. البته در اینکه در مدل‌های مختلف تکافل برای PTF شخصیت حقوقی قائل بشویم یا خیر، نتیجه بحث متفاوت خواهد بود. به دیگر سخن، در صورتی بر اساس نظر آرچر و همکاران (۲۰۰۹) تنها در مدل وقف PTF یا صندوق وقف دارای شخصیت حقوقی مستقل است و در مدل‌های دیگر تکافل PTF همانند بیمه متقابل (MUTUAL INSURANCE)

دارای شخصیت حقوقی نیست؛ زیرا تمام مازاد صندوق خسارات در پایان مدت بیمه میان بیمه‌گذاران تقسیم می‌گردد؛ درحالی‌که در بیمه‌های تعاونی به علت شخصیت مستقل حقوقی شرکت بیمه بخشی از مازاد در حساب شرکت نگهداری می‌شود که این وضعیت تنها در مدل وقف تکافل صادق است.

8. Modified Mudarabah Model

9. Agency Contract

10. Undertaking

11. Upfront Charges

12. Performance Fee

۱۳. البته این اختلاف نگاه تنها در تکافل عمومی بروز و ظهور می‌یابد و در تکافل خانواده در مدل مضاربه اختلافی بین صاحب‌نظران وجود ندارد.

۱۴. این مدل تنها برای تکافل عمومی به کار می‌آید و مهیمن اقبال (۲۰۰۵) در اثر خود به آن اشاره نموده است.

۱۵. به قسمت مدل مضاربه مراجعه گردد.

۱۶. نکته مذکور برای مدل‌های وکالت همراه با پاداش عملکرد و مدل جعاله (مضاربه رایج در مالزی) قابل تعمیم است.

17. Shareholders

18. Mutual Insurance

19. Pay Calls

۲۰. یکی از تفاوت‌های اساسی بین تکافل و بیمه‌های متعارف، سازوکار انتقال یا تسهیم ریسک است؛ به عبارت دیگر، در تکافل تسهیم ریسک صورت بین مشارکت‌کنندگان با ریسک‌های مشترک صورت می‌پذیرد و ریسک مشارکت‌کنندگان به متصدی تکافل منتقل نمی‌گردد؛ درحالی‌که در بیمه‌های متعارف ریسک بیمه‌گذاران به بیمه‌گر منتقل می‌شود (Iqbal, M. 2005).

۲۱. از نظر بسیاری از منتقدان بیمه متعارف خرید و فروش ریسک از لحاظ شرعی با مشکل مواجه است و تنها راه مجاز از نظر شرع استفاده از سازوکار بیمه متقابل و تسهیم و مشارکت در ریسک بیمه‌گذاران و نه خرید و فروش ریسک است؛ مشکلی که در مدل وقف همچنان پابرجاست.

کتابنامه

- آقامهدوی، اصغر و حمیدرضا اسماعیلی گیوی و مجتبی کاوند (۱۳۸۸)، «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)»، *جستارهای اقتصادی*، شماره ۱۲.
- اسماعیلی گیوی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «مقایسه کارایی بیمه اسلامی (تکافل) و بیمه متعارف با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت (گرایش مالی)*، دانشگاه امام صادق(ع).
- اقبال، منور (۱۳۸۶)، «معرفی بیمه اسلامی یا تکافل»، ترجمه بهرام علی تیموری و مهرداد قندچی‌لر، *تازه‌های جهان بیمه*، شماره ۱۱۵.
- رشیدی‌نژاد، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی و مطالعه ارائه بیمه‌های خرد با ساختار تکافل در ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کرمان)»، *رساله دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی*.
- سراج‌زاده، سید محمدجواد (۱۳۸۸)، «تحلیل نظری مقایسه‌ای بیمه متعارف و تکافل»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و اقتصاد*، دانشگاه امام صادق(ع).
- عسکری، محمدمهدی و حمیدرضا اسماعیلی (۱۳۸۷)، «تحلیل نظری ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافل و بیمه‌های متعارف»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۲.
- عظیم‌زاده آرانی، محمد (۱۳۹۱)، «تحلیل مقایسه‌ای بیمه اتکایی و تکافل اتکایی و ارائه پیشنهاداتی جهت اجرایی کردن تکافل اتکایی در جمهوری اسلامی ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)*.
- گروه مطالعات اسلامی بیمه پژوهشکده بیمه (۱۳۹۱)، «الگوی تکافل و الزامات اجرای آن در ایران» (طرح پژوهشی به سفارش بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران).
- محمدی‌مهر، محمدحسن (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام»، *پایان‌نامه*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ناطق گلستان، احمد (۱۳۸۸)، *امکان‌سنجی ایجاد مؤسسات بیمه اسلامی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به موازین فقه امامیه*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و مدیریت*، دانشگاه امام صادق(ع).

Abdul Wahab, Abdul Rahim; Lewis, Mervyn K.; Hassan, M. Kabir (2007), "Islamic Takaful: Business Models, Shari' a Concerns and Proposed Solutions"; *Thunderbird international Business Review*, No.3.

- Akhter Waheed (2008), "Potential of Takaful in Pakistan, Operatinal and Transformational Praadigm", *PHD Thesis of Philosophy in Management Sciences*, National University of Modern Languages, Islamabad.
- Archer, Simon & Abdel Karim, Rifaat Ahmed & Nienhaus, Volker (2009), "Takaful Islamic Insurance, concept & regulatory issues", John Wiley & Sons Pte. Singapore.
- Billah, Masum (2003), *Islamic Insurance; takaful*, Kuala lampur, Malaysia
- FazliYusofMohd, Wan Ismail Wan Zamri, MohdNaaim Abdul Khudus (2011), "Fundamentals of Takaful", *IBFIM*.
- Iqbal, M (2005), *General takaful practice*, gemainsani, Jakarta
- Ismail Ezamshah, (2011), "Basic Takaful Broking Handbook Handbook", *IBFIM*, Kuala Lumpur
- Jaffer, Soheil (2007), "Islamic insurance: trends, opportunities and the future of Takaful", *Euromony Institutional Investor*, London.
- Jensen M. and MeclingW, (1976), "Theory of the Firm, Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, Vol.3, No.4.
- KhorshidAly (2004), *Islamic Insurance a Modern Approach to Islamic bank*, *Routledge Curzon*, London.
- Kwon, Jean W. (2007), "Islamic Principle and Takaful Insurance: Re-evaluation", *Journal of Insurance Regulation, National Association of Insurance Commissioners*, Vol. 26, pp. 53-79.
- Mayers, David, and Clifford W. Smith, Jr. (1986), "Ownership Structure and Control—The Mutualization of Stock Life Insurance Companies" *Journal of Financial Economics*, No.16.
- Maysami, Ramin Cooper & kwon, Jean w. (1999), "An Analysis of Islamic Takaful Insurance", *Journal of Insurance Regulation*, pp109 &129.
- TolefatAbdolrahman (2006), "Mixed model is the best approach", *ICMF series of takaful articles*.
- W. Smith Clifford (1986), "On the Convergence of Insurance and Finance research", *journal of risk and insurance*,
- YassinNaser, Ramly Jamil (2011), "Takaful: A Study Guide", *IBFIM*, Kuala Lumpur
- Zalkifli Ahmad mazlan, AbdRahmanAbdulHashem, Yassin Nasser, Ramly Jamil, (2012), "Basic Takaful Practices Entry Level For Practitioners", *IBFIM*, Kuala Lumpur

8 Abstracts

Islamic Finance Researches, Vol. 3, No.1 (Serial 5), Autumn 2013 & Winter 2014

A Comparative Analysis of Takafol Models and Identifying its Vulnerabilities and Weaknesses from the Perspective of Stakeholders

Mohammad Mahdi Askari*
Mahdi Mohamadi**

Received: 20/07/2014
Accepted: 18/02/2015

Since *takafol* is regarded as a product with a structure formed by Islamic contracts, its assessment and consideration of stakeholders' interests as a guarantee of its stability in the insurance market are inevitable. On this basis, in this research, by a comprehensive analysis of the structure and various models of *takafol* at both general and family levels, we have tried to detect its vulnerabilities and compare its different models from the perspective of the main owners and stakeholders, using content analysis method. It seems that with a mere structural change of different models of *takafol*, our goal which is a fair pricing and observation of the interests of participants as leaders, is not achieved. The solution of agency cost reduction is approaching the structure of mutual insurance, limiting TO options, increasing participants' choices, and following the interests of participants as leaders. With the reinforcement of corporate governance from the perspective of participants in *takafol* structure, disadvantages of asymmetric information between participants and TO, such as adverse selection and moral hazards are reduced.

Keywords: Takafol, Stakeholders, Asymmetric Information, Corporate Governance

JEL Classification: G29 ,G22, G3, D82

* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, m.askari@isu.ac.

** Ph.D. student of Economics, Imam Sadiq University, (Corresponding Author) economy64@gmail.com.